

برای آن خارج شده و شکل اقتصادی به خود گرفته بود. به عبارتی اعتراض مردم به کوچک شدن سفره‌هایشان بود. دوم اینکه بر خلاف سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸، اعتراضات آبان ۱۳۹۸ یک پیش‌زمینه هم داشت و ۲ سال قبل در زمستان ۱۳۹۶ جرقه‌هایی از آن در برخی شهرهای کشور مشاهده شد اما با عدم توجه به آن نشانه‌ها، به نقطه جوش در سال ۱۳۹۸ رسید و اینبار در مقایسه با سال ۸۸، شهرها و اقشار بیشتری درگیر اعتراض به سیستم سیاسی کشور شدند. آنها این بار دیگر نمی‌گفتند «رای من کجاست»، بلکه سوال‌شان پیرامون این بود که «تان ما چه می‌شود». ضمن اینکه باید توجه داشت که از نظر زمانی گسترده بودن اعتراضات بیشتر از سال ۸۸ بود و کشور روزهای بیشتری را با این موضوع دست و پنجه نرم می‌کرد.

۴ اعتراضات پس از مرگ مهسا امینی ۱۴۰۱: صحنه بعدی اعتراض در ایران خیلی زودتر از دوره‌های گذشته رخ داد. در آخرین روزهای تابستان ۱۴۰۱، اعلام خبر درگذشت مهسا امینی پس از بازداشت توسط گشت‌های ارشاد نیروی انتظامی، باعث شد تا خیابان‌های کشور درگیر اعتراضات سراسری شود. این اعتراضات هم شکل و شمایل متفاوتی در مقایسه با سه اعتراض گذشته داشت. اول اینکه رنگ و بوی اعتراضات از سیاسی در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ و اقتصادی در ۱۳۹۸ به اجتماعی تغییر شکل داد. به عبارتی جامعه‌ای که از سیاست ناامید شده بود، سفره‌اش را در حال کوچکتر شدن می‌دید این بار به سراغ مطالبه‌ای اجتماعی پیرامون سبک زندگی رفت. دوم اینکه بازه زمانی اعتراضات که پیش

از این ۱۰ سال به ۱۰ سال بود کمتر شده و تنها سه سال بین اعتراضات فاصله افتاد. از نظر وسعت مکانی و زمانی اعتراض‌ها هم می‌توان گفت که در مقایسه با دوره‌های گذشته، شهرهای بیشتری درگیر این موضوع شدند و روزهای بیشتری ایران با اعتراض و برخورد در خیابان‌ها دست و پنجه نرم می‌کرد.

▼ هشدار و امیدواری

۱ هشدار: آنچه در ایران از سال ۱۳۷۸ گذشته، نشان می‌دهد که شکاف بین دولت و ملت آرام‌آرام عمیق‌تر و بیشتر شده است؛ به عبارتی آن گسل تاریخی دولت و ملت که در کشور ما وجود داشت بار دیگر با افزایش شکاف‌ها در پی هر تکانه‌ای به سمت زمین‌لرزه سهمگین حرکت می‌کند. نمونه بارز وجود این شرایط را می‌توان در مسیر و روند اعتراضات سیاسی و اجتماعی سراسری و همچنین کاهش روند مشارکت سیاسی به خوبی مشاهده کرد اما در کنار این دو عامل، یک سری نشانه‌های دیگر از این افزایش شکاف و بی‌اعتمادی وجود دارد. نمونه بارز و آشکار این بی‌اعتمادی و فاصله‌ها را می‌توان در ماجرای رژله کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ دید. در حالی که پیش از این در موارد مشابه، کمک‌های مردمی به نهادهایی چون هلال احمر داده می‌شد، این بار بخشی از مردم چهره‌های شاخصی که ارتباطی با سیستم نداشتند را مورد اعتماد خود قرار دادند، چنانچه حجم زیادی از کمک‌های مادی مردم به علی‌دایی و صادق زبیاکلام داده شد تا آنها به نمایندگی از مردم اقدام

امان‌اله قرایی مقدم؛ جامعه‌شناس سیاسی:

با وجود شکاف دولت –ملت تو سعه امکان پذیر نیست

این یعنی اینکه شکافی عمیق بین دولت و ملت در ایران ایجاد شده است که میزان مشارکت سیاسی مردم را پایین آورده است. همین روزهای اخیر بود که در خبرها خواندم وزیر کار اعلام کرده بود ۳۰ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر هستند، یعنی ما نزدیک به ۳۰ میلیون نفر در ایران داریم که زیر خط فقر هستند. وقتی این میزان فقر در جامعه زیاد است، خیلی طبیعی خواهد بود که شکاف بین دولت و ملت ایجاد شده و مردم کاری با دولت نداشته باشند. البته در کنار موضوع فقر، همانطور که در سوال قبل اشاره کردم عوامل دیگری هم در ایجاد و تشدید این شکاف دخیل هستند که متأسفانه بسیاری از آنها در جامعه ما دیده می‌شود.

۴ این شکاف که عامل اصلی شکل گیری گسل دولت –ملت است، چه مدتی ایجاد شده و آیا اصلاً ترمیم شکاف دولت - ملت شدنی است؟

چطور می‌توان این شکاف را ترمیم کرد؟

بله این شکاف قابلیت ترمیم را دارد. با عواملی مانند توزیع عادلانه ثروت و رفع بیکاری می‌توان کاری کرد که این شکاف دارای عمق کمتری شود که البته این کمتر شدن عمق نیاز به مدیریت درست دارد. مقام معظم رهبری هم روی این موضوع تأکید داشته‌اند و از انسجام گرفته‌اند. باید شاهد توزیع عادلانه ثروت باشیم. افراد کاردان بر سر کار بیایند، از گروه‌گرایی و آلیگارش‌ی‌بازی و اقتدارگرایی دست بردارند، دامنه آزادی را افزایش دهند. بگذارند آزادی بیان در جامعه وجود داشته باشد. اینها همه عواملی است که توانایی این را دارد که این شکاف را کم و کمتر کند. باید به این نکته توجه داشت که جامعه‌ای که آزمايشگاه است؛ هر عملی که در آن انجام دهید، عکس‌العمل آن را از سوی جامعه خواهید دید. منتهی این عکس‌العمل به صورت سریع رخ نمی‌دهد و حاصل یک پروسه درازمدت است. پس اینطور می‌توان گفت که این شکاف عمیق بین دولت و ملت که در ایران ایجاد شده است کار یکی دو سال و چند سال اخیر نیست، بلکه یک جریان و پروسه‌ای است که طی چندین دهه وجود داشت و توانسته آرام آرام این شکاف را ایجاد کرده و آن را گسترش دهد.

۴ با ادامه روند فعلی آیا می‌توان در باره گسل مذکور از طریق ترمیم شکاف دولت - ملت کاری را پیش برد؟

خبر، با این وضعیت شکاف کمتر نمی‌شود بلکه بیشتر هم خواهد شد. تا زمانی که قانون درست اجرا نشود، قانون برای همه یکسان نباشد، حاکمیت قانون برای همه یکسان نباشد و آلیگارش‌ی‌ها قانون را به نفع خودشان تفسیر کنند؛ این شکاف‌پرشدنی نیست. باید این آسیب‌ها را برطرف کرد تا بتوانیم به این فکر کنیم که شکاف دولت- ملت کمتر خواهد شد. هر جا که شکاف

به کمک‌رسانی کنند. مشاهده این روندها یک هشدار بزرگ است که در صورت ادامه سیر و روند گذشته، آینده‌ای مبهم در پیش خواهد بود که می‌تواند به نقطه‌های خطرناک‌تر از پاییز ۱۴۰۱ کشیده شود.

۲ امیدواری: اما در کنار هشدار ی که داده شد، می‌توان امیدوار بود که در درجه اول از عمیق‌تر و بزرگ‌تر شدن فاصله موجود میان دولت-ملت جلوگیری کرده و هم‌زمان با آن به دنبال کم‌رنگ‌تر شدن گسل سیاسی-اجتماعی دولت- ملت باشد. انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری جامعه‌راد مسیری انداخت که انتخاباتی پرشورتر از سه انتخابات قبلی (۱۴۰۰، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۲) برگزار کند. البته درست است انتخابات ۱۴۰۳ در مقایسه با پیش از سال ۱۳۹۸ شور و هیجان کمتری داشت و مشارکت در دوگانه دور دوم حتی به ۵۰ درصد هم نرسید اما همین که میزان مشارکت بدتر از قبل نشد می‌تواند کورسوی امید باشد. در سمت دیگر، پس از پایان انتخابات هم با روی کار آمدن مسعود پزشکیان و انتخاب شعار «وفاق ملی» برای دولت و حضور طیف‌های مختلف سیاسی در کابینه، یک‌رگه دیگر از امیدواری را می‌توان مشاهده کرد. البته این امیدواری شاید به صورت موقتی باشد و نقش مُسکن را برای جامعه ایفا کند اما می‌توان با حرکاتی مانند رفع فیلترینگ و احترام به دختران و زنان ایرانی، در مسیر ایجاد رضایت جامعه گام برداشت و این ماموریت بزرگ بر عهده دولت مسعود پزشکیان است که بتواند از فاجعه پیشگیری کند.

طبقاتی عمیق‌تر شده است، فاصله بین مردم و حاکمیت افزایش پیدا کرده و در نتیجه به جنبش‌های خطرناک منجر شده است. شما همین سه دهه اخیر را نگاه کنید. از ۷۸ به ۸۸، سیدیم، از ۸۸ به ۹۶ منتقل شد، از ۹۶ به ۹۸ رسید و از ۹۸ به ۹۸ در ۱۴۰۱ این اعتراضات رخ داد. یعنی فاصله جنبش‌ها و اعتراضات کم‌شده و الان از نظر جامعه‌شناسی به نقطه خطرناکی رسیده‌ایم. نباید دست روی دست گذاشت و تنها تماشاگر بود. باید فکر چاره بود و چاره این است که عزم قوی داشت و به سمت اصلاح رفت.

۴ اشاره کردید که شکاف دولت -ملت که در ایران رخ داده، نتیجه یک پروسه طولانی مدت است. اگر بنا بر ترمیم و کم کردن این شکاف باشد، چقدر زمان می‌برد که عمق شکاف کمتر شود؟ به عبارتی شکافی که طی سی الی ۴۰ سال ایجاد شده، به همان میزان طول می‌کشد که ترمیم شود؟

فرآیند ترمیم شکاف دولت- ملت نسبت به ایجاد آن کوتاه‌تر است. به عبارت واضح‌تر برای ایجاد شکاف دولت- ملت نیاز به زمان بیشتری است و در زمان کمتری می‌توان این شکاف را ترمیم کرد. البته این ترمیم شکاف یک شرط مهم دارد و آن شرط این است که در جبین این کشتی نور ستگاری وجود داشته باشد اما حداقل تا الان که چنین موضوعی را ندیده‌ایم. هر دولتی روی کار آمده به قول‌ها و گفته‌هایش در زمان انتخابات عمل نکرده است. من به این صورت و این روایی که در جریان بوده امید یی به ترمیم شکاف ندارم، مگر اینکه اراده محکمی در جریان باشد که بخواید شکاف را پر کند و مثل دولت‌های گذشته نباشد. اگر بخواید دست به ترمیم شکاف بزنند به سرعت این اتفاق روی خواهد داد و می‌توان به وضوح کم شدن شکاف را تماشا کرد و مردم دولت را از خودشان خواهند دانست.

۴ اگر این شکاف دولت - ملت تر میم نشود، چه آینده‌ای در پیش خواهد بود؟

به نظر ما عدم ترمیم این شکاف و عمیق‌تر شدن آن، جنبش‌ها و خیزش‌های اجتماعی افزایش پیدا می‌کند. ما در بین مردم هستیم و می‌بینیم چه نظراتی دارند و این نظرات خطرناک است. چرا این همه نخبه از کشور فرار می‌کنند که حتی صدای خود آقایان هم درآمده است. یوزف شوپنیر، جامعه‌شناس بزرگ توسعه اقتصادی، در کتاب خود می‌گوید وقتی آب و هوای اجتماعی مناسب نباشد، توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی رخ نخواهد داد. برای ترمیم شکاف باید آب و هوای اجتماعی را مساعد کرد و به دنبال اجرای ۱۲ اصل اقتصادی شوپنیر رفت که الان مهمترین اصول اقتصادی هاروارد به شمار می‌رود. او در اصل هشتم و یازدهم می‌گوید پیش شرط توسعه این است که آب و هوای اجتماعی مناسب باشد اما در ایران آب و هوای اجتماعی مساعد نیست. الان چند سال است کشور درگیر تصویب FATF است، چرا این لایحه به سرانجام نمی‌رسد؟ مردم این مسائل را می‌فهمند. جامعه‌شناسان سال‌هاست می‌گویند دیگر در جهان دیواری وجود ندارد و به سرعت مردم واقعیت‌ها را متوجه می‌شوند، این فروریختن دیوارها را مارشال مک‌نوهان به خوبی بیان کرده است. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که آب خوردن شما هم می‌تواند با ماهواره هارصد شود.

۴ به بحث توسعه اشاره داشتید. در صورتی که این شکاف وجود داشته باشد می‌توان به توسعه در هر نوعش فکر کرد؟

خطرناک‌ترین دشمن توسعه همین وجود شکاف است؛ به عبارتی با وجود شکاف دولت- ملت توسعه اصلاً امکان‌پذیر نیست. رهبری چندین بار این موضوع را مورد اشاره قرار داده‌اند. حرف‌های رهبری را مرور کنید ببینید چند بار از همدلی، انسجام و همبستگی حرف زده‌اند و روی آنها تأکید کرده‌اند. آیا این چیزی که ما می‌بینیم انسجام است؟ یا شکم گرسنه و وجود خط فقر که نمی‌توان به انسجام فکر کرد. به عمل کار برآید. مردم باید ببینند که عزم به تغییر و اصلاح وجود دارد. مردم باید این موضوع را لمس کنند که قانون به درستی اجرا می‌شود. آن وقت است که می‌توان به توسعه فکر کرد.



هجمه دوباره تندروهای مجلس به ظریف

روز گذشته برخی از نمایندگان مجلس باز هم اقدام به تخریب محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس جمهوری کردند. درست زمانی که کشور با شرایط خاص و حتی جنگی دست به گریبان است و در موقعیت تصمیم‌گیری‌های بسیار حساس قرار دارد تندروها دست از حذف و خالص‌سازی بر نمی‌دارند و با وجود تأکید پزشکشان بر رفع اختلافات و وفاق ملی و اظهارات صریحش به پایداری، خالص‌سازان همچنان در حال تاخت و تاز بر دولت و افراد مورد وثوق دولت هستند

با وجود اینکه موضوعات مهم بسیاری در کشور وجود دارد که برخی نمایندگان مجلس روز گذشته نیز به آن اشاره کردند؛ مانند انتصابات در آموزش و پرورش، افزایش حقوق و دستمزد، ارائه راهکار برای حل مشکلات معیشتی، پیشگیری از خام‌فروشی و همسان‌سازی حقوق بانزشتگان در این میان مشکل تندروهای مجلس نه مشکلات معیشتی مردم نه همسان‌سازی حقوق بانزشتگان، بلکه مشکل آنها حضور جواد ظریف در دولت بود.

حمید رسایی، نماینده تهران در مجلس با اشاره به تخلف در انتصاب آقای ظریف به عنوان معاون پزشکشان گفت: «از رئیس جمهور می‌خواهم که قانون را اجرا کنند.» او در تذکر شفاهی با استناد به ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس تأکید کرد: «زمانی که قانون نقض و از اجرای آن استنکاف شود، با درخواست ۱۰ نماینده این موضوع در کمیسیون بررسی شده و اگر کمیسیون این تخلف را محرز بداند، گزارش آن به صحن آمده و با تأیید آن در صحن، به قوه قضائیه ارسال شده و بدون نوبت رسیدگی می‌شود.»

این نماینده مجلس در ادامه افزود: «رئیس جمهور بر خلاف نص صریح قانون، آقای ظریف را که فرزندشان تابعیت آمریکا دارد، به‌عنوان معاون رئیس جمهور انتخاب کردند. آقای ظریف با تذکرات نمایندگان استعفا داده اما به خاطر فشارها، مجدد به کار خود بازگشت. از رئیس جمهور در خواست شد که به قانون تن دهد اما ایشان به خاطر یک نفر، یک قید از لایحه را حذف کرده و مجدداً به مجلس ارجاع داد. ۴۰ نماینده از کمیسیون امنیت ملی در خواست رسیدگی کردند که مهلت ۱۰ روز شنبه هفته آینده پایان می‌یابد بنابراین اگر صحن تخلف را محرز بداند، پرونده به قوه قضائیه ارجاع می‌شود.» رسایی با اشاره به اینکه از رئیس‌جمهور می‌خواهم که قانون را اجرا کنند، بیان کرد: «ام‌در مجلس نمی‌خواهیم که رابطه با دولت‌بدین شکل شود.»

حمیدرضا حجابایی، نایب‌رئیس مجلس که ریاست جلسه علنی را بر عهده داشت نیز در پاسخ به این تذکر پاسخ داد: «از کمیسیون امنیت ملی و معاونت نظارت مجلس می‌خواهم که بر روند اجرای قانون نظارت کنند»

این اولین بار نیست که به بهانه تابعیت به ظریف حمله می‌کنند و درصدد تخریب دولت وفاق ملی هستند. ظریف نیز بارها اعلام کرده «زمانی که در آمریکا دانشجو بودم فرزندانم به دنیا آمدند. این نه گناه من است و نه آن‌ها. این قانون به نظرم بی‌دقتی‌هایی دارد که یکی همین است. آن دیگر وظیفه قانون‌گذار است. شخصاً از این قانون بی‌اطلاع بودم. لذا روز یازدهم که بنده حکم خورد، دوازدهم بعدش شروع به این صحبت‌ها شد و قانون را به ما نشان دادند. من روز شانزدهم اعلام انصراف کردم. آن پروسه دیگری بود و آن توثیقی که در مورد کناره‌گیری زدم پروسه دیگری بود. در توثیقی هم اشاره به این موضوع کردم. ولی آن را روز شانزدهم مرداد انجام داده بودم. آقای رئیس‌جمهور باتوجه به اینکه در توثیتم گفتم ریزی‌تی‌هایی کردند و به من دستور دادند که بازگشت به نامه ۱۶ مردادم که مقتضی است برگردی. حالا برخی‌ها گفته‌اند که این خلاف است. بالاخره من دارم دستور رئیس‌جمهور محترم را اجرا می‌کنم و ایشان هم مشورت‌هایی با جاهای مختلف داشته‌اند و نظرشان این بوده که وظیفه دارم کارم را ادامه دهم و متوقف نکنم.» اما این تنها موضع‌گیری بر علیه ظریف نبود. مجتبی رحماندوست، دیگر نماینده تهران نیز به پزشکشان تاخته و از حر به تحقیر استفاده کرد. این نماینده مجلس ظریف را مشائی دیگر خوانده و گفت: «از رئیس‌جمهور می‌خواهم به فکر حقوق بشر باشد اما نه این مقدار که برای یک نفر قانون را عوض کند. شما بار دیگر مشائی جدیدی در تاریخ ایران ایجاد می‌کنید. به نظر من آقای رئیس‌جمهور سبک است. اگر می‌گویند تابعیتش قهری بوده خوب به کار دیگری بپردازد. لطفاً مشائی‌سازی نکنید.»

